

جایگاه اندیشه و عمل در کلام گهربار امام عسکری (علیه السلام)

<?xml encoding="UTF-8?">

مقدمه

امام حسن عسکری (علیه السلام)، یازدهمین امام شیعیان، در روز جمعه هشتم ربیع الثانی، سال 232 هـ ق (1) در مدینه منوره دیده به جهان گشود. (2) پدر بزرگوار آن حضرت، امام هادی (علیه السلام) و مادرش بانویی پارسا و شایسته است که از او به نامهای: «حدیثه»، «سلیل» و «سوسن» یاد شده است. این بانوی گرامی از زنان نیکوکار و دارای بینش اسلامی بود. در فضیلت او همین بس که پس از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) پناهگاه و نقطه اتکای شیعیان در آن دوره بحرانی و پراضطراب به شمار می‌رفت. (3)

مدت امامت امام حسن عسکری (علیه السلام) شش سال و با سه نفر از خلفای عباسی که هر یک از دیگری ستمگرتر بودند، معاصر بود: المعتز بالله، المهتدی بالله و المعتمد بالله.

امامت حضرت از سال 254 شروع شد و در 260 هـ ق با شهادت آن حضرت پایان یافت؛ آن حضرت در هشتم ربیع الاول 260 و در 28 سالگی در شهر سامراء توسط احمد معتمد، پانزدهمین خلیفه عباسی، مسموم شد و به شهادت رسید و در خانه خود در سامراء در کنار مرقد پدرش به خاک سپرده شد. (4)

به مناسبت سالروز شهادت آن امام همام، در این مجال نگاهی داریم به «جایگاه اندیشه و عمل» در سخنان نورانی آن حضرت.

اهمیت اندیشه و عمل در فرهنگ اسلامی

اساس تمام پیشرفتهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ، اندیشه و تفکر از یک طرف، و سعی و تلاش و عمل از طرف دیگر بوده است. اگر بشر قرن بیستم و بیست و یکم، از نظر صنعتی و تکنولوژی به موفقیت‌های چشمگیری دست‌یافته، بر اثر اندیشه و تلاش بوده است؛ چنان که پیشرفتهای معنوی جوامع و افراد نیز بر اثر بهره‌وری از توان عقل و تفکر و قدرت عمل و تلاش بوده است. پیامبران، امامان و بندگان صالح الهی همگی اهل فکر و تعقل بوده‌اند. در منزلت ابوذر، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کان اکثر عبادة ابي ذر رحمه الله التفكير والاعتبار؛ بیش‌ترین عبادت اباذر که رحمت‌خدا بر او باد، اندیشه و عبرت اندوزی بود.» (5)

قرآن این کتاب الهی و آسمانی برای اندیشه و تفکر، و تلاش و عمل، ارزش والا و حیاتی قائل است و زیباترین و رساترین سخنان را در باره ارزش دانش و تعقل، و دقت و تفقه بیان نموده است. در قرآن بیش از هزار بار کلمه «علم» و مشتقات آن که نشانه باروری اندیشه است، تکرار شده و افزون بر 17 آیه به طور صریح انسان را دعوت به تفکر نموده، بیش از 10 آیه با کلمه «انظروا؛ دقت کنید»، شروع شده است. بیش از پنجاه مورد کلمه عقل و مشتقات آن به کار رفته است و در چهار آیه نیز قاطعانه به تدبیر در قرآن (6) امر شده است و همچنین از کلمه

فقه و تفقه و امثال آن بهره جسته است. (7)

در مورد عمل هم در قرآن بیش از 354 مرتبه لفظ «عمل» و مشتقات آن آمده است و جمله «آمنوا و عملوا الصالحات» بیش از 65 مورد در قرآن مطرح شده است. این مطلب، نشان دهنده لزوم ایمان به عنوان ثمره اندیشه و تفکر، در کنار عمل و تلاش شایسته می‌باشد.

در روایات معصومین علیهم السلام نیز آثار و فواید مهمی برای تفکر و اندیشه بیان و مطرح شده است که بیان همه آنها در این مقال نمی‌گنجد و ما تنها به بررسی این موضوع در کلمات گهربار امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌پردازیم.

الف) جایگاه اندیشه

1. خدا با اندیشمندان سخن گفته است

با توجه به جایگاه رفیع اندیشه و تعقل در قرآن، در نوع آیات مربوط به این موضوع روی سخن با اندیشمندان است؛ چرا که آنها می‌توانند به عمق کتاب تکوین و هستی، و کتاب آسمانی قرآن راه یابند و از آن بهره گیرند و سعادت دنیا و آخرت خویش را تامین نمایند. اینک به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

«ان فی خلق السموت و الارض و اختلاف الليل و النهار والفلک التي تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها و بث فیها من کل دابة و تصریف الريح والسحاب المسخر بین السماء و الارض لایات لقوم یعقلون» ؛ (8)

«در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز و کشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکت اند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن، زمین را پس از مردن، زنده نموده و انواع جنبندگان را در آن گسترده و [همچنین] در جابجایی بادهای و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند.»

در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «ان فی خلق السموت والارض واختلف الیل والنهار لایات لاولی الالباب x الذین یدکرون الله قیما وعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموت والارض ربنا ما خلقت هذا بطلا سبحنک ففنا عذاب النار» ؛ (9) «مسلمانان در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است. همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آن‌گاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]: بار الها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو! ما را از عذاب آتش نگاه دار.» و همچنین در قرآن کریم آمده است: «کذلک نفصل الایات لقوم یتفکرون» ؛ (10) بدین گونه این آیات را برای آنان که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم.»

امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌فرماید: «انما خاطب الله العاقل» ؛ (11) فقط خداوند خردمند را مورد خطاب قرار داده است.» این جمله کوتاه و رسا از عمق بسیاری برخوردار است و حکایت از آن دارد که سخن خدا و خطاب او با کسانی است که هم دارای فکر و قدرت تفکرند، و هم از نیروی اندیشه و تدبیر استفاده می‌کنند.

2. عبادت با تفکر

بسیارند کسانی که عبادت را منحصر در انجام نماز و خواندن نمازهای مستحبی و گرفتن روزه‌های واجب و مستحب می‌دانند، بدون آنکه در رمز و راز آن اندیشه کنند و یا در زمان و اوضاع آن تعقل نمایند.

امام حسن عسکری (علیه السلام) با توجه به این خطر و به وجود آمدن و اشاعه آن در جامعه اسلامی، جایگاه ویژه اندیشه و تفکر را این‌گونه بیان می‌فرماید: «لیست العبادة كثرة الصيام والصلوة وانما العبادة كثرة التفكير في امر الله؛ (12) عبادت به بسیاری نماز و روزه نیست، همانا عبادت تفکر بسیار در امر خداوند است.»

3. نشانه اندیشمندان

یکی از نشانه‌های اندیشمندان؛ شیوه سخن گفتن آنان است. نوشته‌ها، حرف‌ها و کلمات ایشان به خوبی میزان عقل و رشد آنان را بیان می‌دارد. در این باره امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود: «قلب الاحمق فی فمه وفم الحکیم فی قلبه؛ (13) دل نابخرد در دهان او است، و دهان خردمند فرزانه، در دل او.» انسان اندیشمند، اول در اطراف سخن فکر می‌کند، نفع و زیان آن را بررسی می‌کند و آن‌گاه به سخن گفتن اقدام می‌نماید. ولی انسان بی‌خرد و کم‌اندیش، نخست سخن می‌گوید و بعد در عواقب و اطراف آن به اندیشه می‌پردازد. در نتیجه، اندیشمند کمتر خطا می‌کند، و کم‌اندیشان و یا کج‌اندیشان کمتر به راه صواب می‌روند.

دلیل این امر آن است که بر اثر اندیشه، روح و عقل انسانی روشن می‌شود و در پرتو آن نورانیت، حق و باطل، و درست و نادرست را از یکدیگر تشخیص می‌دهد، در حالی که بی‌خردان در ظلمت جهل به سر می‌برند. به همین جهت، امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود: «علیکم بالفکر فانه حياة قلب البصیر ومفاتیح ابواب الحکمة؛ (14) بر شما باد به اندیشیدن! پس به حقیقت، تفکر موجب حیات و زندگی دل آگاه، و کلیدهای دربهای حکمت است.»

امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) در این مورد فرمود: «من فکر ابصر العواقب؛ (15) هر که اندیشه کند، عواقب کارها را می‌بیند.»

4. عاقبت نیندیشیدن

عالم آخرت تجسم وسیع و گسترده‌ای از عالم دنیا است و همه حقایق این جهان در آنجا به صورت متناسبی مجسم می‌گردد. آنها که با عقل خود اندیشه نکردند و با چشم جانیشان در دیدن حقایق دقت به خرج ندادند، در روز قیامت نابینا محسوس می‌شوند. امام حسن عسکری (علیه السلام) این حقیقت را با گوشزد کردن آیه‌ای از قرآن، برای اسحاق بن اسماعیل نیشابوری در طی نامه‌ای چنین بیان می‌کند:

«... فاتم الله عليك يا اسحاق وعلى من كان مثلك ممن قد رحمه الله وبصره بصيرتك نعمته... فاعلم يقينا يا اسحاق انه من خرج من هذه الدنيا اعمى فهو في الآخرة اعمى واضل سبيلا؛ يا اسحاق ليس تعمى الابصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور وذلك قول الله في محكم كتابه حكاية عن الظالم اذ يقول (16) : «رب لم حشرتنی اعمى و قد كنت بصيرا x قال كذ لك انتك ءايتنا فنسيتها و كذ لك اليوم تنسى» ؛ (17)

ای اسحاق! خداوند بر تو و امثال تو از آنهایی که مورد رحمت الهی قرار گرفته و همچون تو دارای بصیرت خدادادی می‌باشند، نعمت خویش را تمام کرده است...

پس به یقین بدان ای اسحاق که هر کس از دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت هم نابینا و گمراه خواهد بود. ای اسحاق! چشمها نابینا نمی‌شوند؛ بلکه دل‌هایی که در سینه‌ها هستند نابینا می‌شوند. و این سخن خداوند در کتاب متقن خویش است آنجا که از زبان انسان ستم‌پیشه بیان می‌کند: «پروردگارا چرا مرا نابینا محسوس نمودی با اینکه دارای چشم بودم؟ [خداوند در جواب] می‌فرماید: همان گونه که آیات ما برای تو آمد و تو آنها را فراموش

کردی، امروز نیز تو فراموش خواهی شد.»

(ب) جایگاه عمل در کنار فکر

فکر و اندیشه، و یا تامل و تدبر آن‌گاه ارزش حقیقی و عینی خویش را نشان می‌دهد که منجر به عمل و تلاش و سعی و کوشش شود وگرنه تفکری که منهای عمل باشد، ارزش واقعی را نخواهد داشت. در واقع، فکری مطلوب و کارساز است که به عمل صالح بینجامد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «التفکر يدعو الی البر والعمل به؛ (18) اندیشه، [انسان را] به سوی نیکی و عمل به آن فرا می‌خواند.»

همچنان که در تعریف عقل از زبان احادیث اسلامی می‌خوانیم: «العقل ما عبد به الرحمان واكتسب به الجنان؛ (19) عقل چیزی است که خدای مهربان به وسیله آن پرستیده شود، و بهشتها توسط آن به دست آید.»

امام حسن عسکری (علیه السلام) در کنار اندیشه و فکر، بر عمل و رفتار شایسته تاکید نموده است و گاهی به صورت کلی می‌فرماید: «لا یثقلک رزق مضمون عن عمل مفروض؛ (20) [توجه] به روزی تضمین شده، تو را از کار واجب روی‌گردان نکند.»

امام عسکری (علیه السلام) گاهی با بیان جزئیات، بر عمل و رفتار درست تاکید کرده است. این کار از چند طریق انجام شده است:

1. بیان اوصاف رفتاری شیعیان

در این بخش امام حسن عسکری (علیه السلام) بر اوصاف عملی و رفتاری که در مورد رابطه انسان با خالقش، جامعه‌اش، خانواده‌اش و با خودش مطرح است، انگشت نهاده است که این مسئله به خوبی اهمیت «عمل گرایی» را در کنار «اندیشه‌گرایی» نشان می‌دهد. از جمله به شیعیانش فرمود:

«اوصیکم بتقوی الله والورع فی دینکم، والاجتهاد لله وصدق الحدیث واداء الامانة الی من ائتمنکم من بر او فاجر، وطول السجود وحسن الجوار فبهذا جاء محمد صلی الله علیه و آله صلوا فی عشایرهم واشهدوا جنازهم وعودوا مرضاهم، وادوا حقوقهم، فان الرجل منکم اذا ورع فی دینه وصدق فی حدیثه وادی الامانة وحسن خلقه مع الناس؛ قیل: هذا شیعی فیسرنی ذلک؛ (21)

شما را سفارش می‌کنم به تقوای الهی و ورع در دین خود و کوشش در راه خدا، راستگویی و رد امانت به هر که به شما امانت سپرده - خوب یابد - طولانی بودن سجده و خوب همسایه‌داری؛ چرا که محمد صلی الله علیه و آله برای اینها آمده است. در گروههای آنها (مخالفان) نماز بخوانید (یعنی در نماز جماعت آنها شرکت کنید)، در تشییع جنازه آنها شرکت کنید و بیمارانشان را عیادت، و حقوق آنان را ادا نمایید؛ زیرا اگر مردی از شما در دین خود ورع داشت و در سخنش راست گفت و امانت را رد کرد و اخلاقش با مردم خوب بود گفته شد: این شیعه است. پس من از این شادمان می‌شوم.»

همچنین آن حضرت فرمود: «المؤمن بركة على المؤمن وحجة على الكافر؛ (22) مؤمن برکتی برای مؤمن، و [اتمام] حجتی بر کافر است.»

2. بیان بهترینها و بدترینها

امام عسکری (علیه السلام) در باره بهترین مردم چنین می‌فرماید: «اورع الناس من وقف عند الشبهة، اعبد الناس من اقام على الفرائض، ازهد الناس من ترك الحرام، اشد الناس اجتهادا من ترك الذنوب؛ (23) پارساترین مردم کسی است که در شبهات توقف کند، عابدترین مردم کسی است که واجبات را به جا آورد، زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری کند و کوشاترین مردم کسی است که گناهان را ترک کند.»

حضرتش در باره پست‌ترین بندگان فرمود: «بئس العباد عبد یكون ذاوجهین وذا لسانین، یطری اخاه شاهدا ویاکله غائبا، ان اعطى حسده وان ابتلى خانه؛ (24)

بدترین بندگان، بنده‌ای است که دارای دو چهره و دو زبان باشد؛ در حضور برادرش او را می‌ستاید، و پشت‌سر، او را می‌خورد. اگر به او چیزی عطا شود، حسد می‌رزد و اگر گرفتار گردد، به او خیانت می‌کند.»

3. ستایش از برخی رفتارها

آن امام همام در ستایش برخی اعمال فرمود: «خصلتان لیس فوقهما شیء! الایمان بالله، ونفع الاخوان؛ (25) دو خصلت است که برتر از آن چیزی نیست: ایمان به خداوند و فایده رساندن به برادران.»

همچنین در مورد فروتنی فرمود: «التواضع نعمة لا یحسد علیها؛ (26) فروتنی نعمتی است که مورد حسد قرار نمی‌گیرد.»

و در جای دیگر فرمود: «من التواضع السلام علی کل من تمر به؛ والجلوس دون شرف المجلس؛ (27) نشانه فروتنی سلام نمودن بر تمام کسانی است که بر آنها می‌گذری و نشستن در غیر صدر مجلس است.»

4. نکوهش بعضی از کارها

برای ارزش‌یابی عمل لازم است رفتارهای شایسته از غیر آن بازشناسی شود. در این باره امام حسن عسکری (علیه السلام) علاوه بر شناسایی برخی اعمال نیک و شایسته، نفرت خویش را از برخی کردارهای ناشایست اظهار نموده و آن را مورد نکوهش قرار داده است، از جمله در مورد اظهار شادمانی در نزد غمدیده می‌فرماید: «لیس من الادب اظهار الفرح عند المحزون؛ (28) اظهار شادمانی در برابر انسان غمدیده، خلاف ادب است.»

خواسته‌های ذلت‌آور یکی دیگر از اعمال زشت است که امام عسکری (علیه السلام) در مورد آن می‌فرماید: «ما اقبح بالمؤمن ان تکون له رغبة تذله؛ (29) چه زشت است برای مؤمن که به دنبال خواهشی برود که او را ذلیل و خوار می‌کند.»

غضب نیز از جمله این رفتارهاست که تمام بدیها را به سوی آدمی سرازیر می‌نماید: «الغضب مفتاح کل شر؛ خشم کلید هر بدی است.»

پاورقی‌ها:

(1) مسعودی و علی بن عیسی اربلی تولد حضرت را در سال 231 ق دانسته‌اند.

(2) اصول کافی، ج 1، ص 503؛ الارشاد، ص 335.

(3) الانوار البهیة، ص 151.

(4) الارشاد، ص 354 و بحار الانوار، ج 50، ص 236.

(5) بحار الانوار، ج 22، ص 431.

(6) نحل/44؛ آل عمران/191 و نحل. 69

(7) آمار استخراج شده بر اساس اطلاعات کتاب «المعجم المفهرس» محمد فؤاد عبد الباقي (دار الحديث القاهرة) می باشد.

(8) بقرة/آیه. 164

(9) آل عمران/190 و 191.

(10) یونس./24.

(11) تحف العقول، ص 516، ح. 4.

(12) تحف العقول، ص 518، ح 13؛ وسائل الشیعة، ج 11، ص 153؛ اصول کافی، ج 2، ص 55 و بحار الانوار، ج 71، ص 322.

(13) تحف العقول، 519، ح. 21.

(14) بحار الانوار، ج 8، ص 115 و الحكم الزاهرة، ج 1، ص 19.

(15) همان و غرر الحكم، ص 665.

(16) تحف العقول، ص 513 و 514.

(17) طه./126.

(18) وسائل الشیعة، ج 11، ص 153 و مجموعه ورام، ج 2، ص 327.

(19) همان، ص 161 و اصول کافی، ج 1، ص 11.

(20) تحف العقول، ص 519، ح. 22.

(21) همان، 518، ح 12؛ وسائل الشیعة، ج 8، ص 389، ح. 2.

(22) همان، ص 519، ح. 20.

(23) همان، ص 519، ح 18 و انوار البهیة (همان) ص 318.

(24) تحف العقول (همان) ص 518، ح. 14.

(25) همان، ص 520، ح. 26.

(26) همان، ص 520، ح. 31.

(27) همان، ص 517، ح. 9.

(28) همان، ص 520، ح 28 و منتهی الآمال، ج 2، ص 273 ح. 6.

(29) همان، ص 520، ح 35.